چین و هند؛ این تازه آغاز راه است

مدنی، گیلدا

تهیه و تنظیم گیلدا مدنی‏ در سال‏های آغازین دهه 1960 که ایالات متحده و اروپا دوران طلایی رشد اقتصادی را سپری می‏کردند و از منافع آن سرخوش بودند.بسیاری از اقتصاددانان‏ غربی آینده قاره آسیا را تیره و تار تصویر می‏کردند و چشم‏انداز روشنی برای رشد سریع اقتصادی آن متصور نبودند.اما ببرهای آسیا با شور و حرارت وصف ناشدنی‏ رشد اقتصادی در طول تاریخ دست یافتند.از آن پس‏ دیدگاه‏ها و نقطه نظرات اقتصاددانان غربی در خصوص‏ شدت یافتن رشد اقتصادی آسیا تغییر یافت.

نکته شگفت‏آور این است که در سال‏های آغازین‏ قرن بیست و یکم اغلب اقتصاددانان با شور و شوق‏ فراوان به این نتیجه رسیدند که آسیایی‏ها به رشد اقتصادی‏ احترام برانگیزی دست یافته‏اند.به ویژه دو کشور آسیایی‏ چین و هند در طول یک دهه آینده بر اقتصاد جهان تسلط خواهند یافت.از این رو در سرتاسر جهان،تئوری‏های‏ چین و هند واردکننده‏ تکنولوژی بودند، ولی به برکت نگاه‏ رو به جلو و اجرای صحیح‏ سیاست‏های اقتصادی، استفاده بهینه از این‏ ابزارها در راس اولویت‏ها قرار گرفت

مربوط به‏"قرن آسیایی‏"و تفوق یافتن ارزش‏های آسیایی‏ اقبال فزاینده‏ای یافته‏اند.

چین و هند در سال 2005 آهنگ تولید ناخالص داخلی‏ سنتی خود را حفظ کرده و بالاترین میزان رشد تولید ناخالص داخلی جهان(5/9 و 6/7 درصد)را به خود اختصاص داده‏اند.براساس گزارش‏"چشم‏انداز توسعه‏ آسیا"،که تازگی از سوی بانک توسعه آسیا منتشر شده‏ است،پیش‏بینی می‏شود میزان رشد اقتصادی این دو کشور در سال 2006 بالاتر از میانگین آسیا باشد؛زیرا براساس گزارش‏"چشم‏انداز توسعه آسیا-2006" میانگین رشد اقتصادی قاره آسیا در سطح 2/7 درصد قرار خواهد داشت.

با این که به نظر می‏رسد اقتصادهای چین و هند سیر صعودی دارند و در زمره اقتصادهای پیشتاز جهان‏ طبقه‏بندی می‏شوند،ولی بدبینان بار دیگر نوشتن‏ تیترهای ناخوشایند را از سر گرفته‏اند.

برخی گزارش‏های اقتصادی حاکی است که رشد درآمدها،نابرابری را در میان طبقات فقیر و غنی چین‏ افزایش داده است،نزول چشم‏گیری در فرآیند توسعه‏ روستایی هم در چین و هم در هند دیده می‏شود و آلودگی محیط زیست به ویژه اتلاف منابع طبیعی در چین‏ سیر صعودی دارد.این در حالی است که بیشترین‏ نگرانی‏ها متوجه سیستم مالی شکننده هند است.

خبرهای ناگوار درباره چین و هند و هم زمان شدن‏ تصادفی این اخبار با اخراج گسترده کارگران و ورشکستگی شرکت‏های غربی سبب شده برخی افراد در غرب به اشتباه چنین نتیجه‏گیری کنند که رفاه اقتصادی‏ دو غول آسیایی تهدیدی برای فرصت‏های شغلی و حقوق آن‏هاست.به باور آنان به برکت پدیده جهانی‏ شدن،بازارهای جهانی با کالاهای چین و خدمات هند اشباع شده است و هیچ کشوری را توان رقابت با کالاهای چینی نیست.

علاوه بر این،برخی از اقتصاددانان نظریه‏ای دارند بدین مفهوم که‏"معجزه اقتصادی مشهور چین و هند عمدتا"براساس صرف هزینه‏های گسترده‏ای پایه‏ریزی‏ شده است تا بر مبنای بازدهی و بهره‏وری،و این رشد به‏ طور آشکارا سیر نزولی به خود خواهد گرفت."اما با توجه دقیق و موشکافانه به رشد اقتصادی این دو کشور از دریچه شاخص‏های اقتصادی جهان می‏توان به‏ نادرستی این نظر پی برد.

به هر حال،آن‏ها از مشکلات اقتصادی چین و هند سخن می‏گویند و آن‏ها را به عنوان دلیلی بر اثبات فرضیه‏ خود بر می‏شمارند.اما در حقیقت درست نیست‏ مشکلات یک منطقه به صورت مجموع دیده شود و در خصوص پیشرفت‏های اقتصادی یک منطقه عجولانه‏ اظهار نظر شود.یکی از درس‏هایی که از این مشکلات‏ می‏توان گرفت این است که بر خلاف تمام موارد ذکر شده،رشد اقتصادی این کشورها در حقیقت بعد از گذشت این همه سال همچنان سیر طبیعی خود را طی‏ می‏کند؛گر چه ممکن است در آینده با مشکلاتی نیز مواجه شوند.

در این میان در خصوص یک نکته اطمینان حاصل‏ است.اقتصادهای چین و هند در حقیقت اقتصادهایی‏ ناهمگون و متفاوت هستند.هند در زمره آزادترین‏ اقتصادهای جهان است،در حالی که چین مظهر و نمونه‏ کامل دخالت دولت در اقتصاد است.هر یک از آن‏ها دارای نقاط ضعف و قوت خاص خود هستند که اقتصاد جهانی توان درمان آن را ندارد.

بیشتر کشورهای همسایه‏ چین و هند،که شاهد پیشرفت‏های شگفت‏آور این‏ دو غول آسیایی بوده‏اند، نظاره‏گر آنند که این دو کشور چگونه برای عنوان‏ پیشگامان اقتصادی جهان‏ خیز برداشته‏اند

در مقابل این طرز تفکر،عده‏ای نیز استدلال می‏کنند فقط رشد اقتصادی علت اصلی سرمایه‏گذاری‏های‏ کلان بوده است و اغلب اقتصاددانان خیره نیز عقیده‏ دارند این سرمایه‏گذاری‏ها در نوع خود یک دستاورد بزرگ محسوب می‏شوند.

اکنون بیشتر کشورهای همسایه چین و هند که شاهد پیشرفت‏های شگفت‏آور این غول آسیایی بوده‏اند، نظاره‏گر آنند که این دو کشور چگونه برای عنوان‏ پیشگامان اقتصادی جهان‏خیز برداشته‏اند.علت اصلی‏ این پیشرفت‏های اقتصادی تعمق برانگیز آن است که‏ چین و هند نیز همانند سایر کشورهای جهان سوم‏ واردکننده تکنولوژی بودند،ولی به برکت نگاه رو به‏ جلو و اجرای صحیح سیاست‏های اقتصادی،استفاده‏ بهینه از این ابزارها در راس اولویت‏ها قرار گرفت.اما همه چیز هم برای این دو کشور مهیا نیست و اما و اگرهای بسیاری درباره تداوم رشد اقتصادی آن‏ها مطرح است.

برخی اقتصاددانان می‏گویند رشد اقتصادی چین و هند در آینده نزدیک کاهش خواهد یافت.یقینا"آن‏ها درست می‏اندیشند.اما آسمان اقتصاد چین و هند به آن‏ اندازه که آنان می‏گویند تیره و تار نیست؛زیرا براساس‏ اصول علم اقتصاد،کاهش میزان رشد اقتصادی این‏ کشورها از سیر طبیعی خود تبعیت خواهد کرد.اما با وجود این،براساس عقیده بیشتر اقتصاددانان،رشد اقتصادی چین و هند حداقل برای مدت‏های طولانی، در حد دو برابر کشورهای توسعه یافته تداوم خواهد یافت.البته این دو کشور نیازمندند تا برای ترمیم نقاط ضعفشان پاره‏ای اصلاحاتا را در ساختار اقتصادی‏ خود اعمال کنند و این امر سبب خواهد شد رشد اقتصادی سریع آنها در آینده کند شود.به عنوان مثال‏ چین و هند هر دو با مسئله فساد اقتصادی،و زیرساخت‏های نامناسب دست به گریبانند که می‏تواند مانعی در سر راه رشد اقتصادی این کشورها تلقی گردد.

خطر طبیعی و ذاتی اقتصادی در این زمینه‏ها به استفاده‏ نامناسب از سرمایه و نیروی کار باز می‏گردد.این خطر در چین به مراتب بیشتر از هند است.به عنوان مثال قدرت‏ صنعتی در چین به طور چشم‏گیری در دستان اقلیتی از شرکت‏ها و غول‏های بزرگ اقتصادی قرار دارد،در حالی که در هند-در نقطه مقابل-این قدرت در میان جمع‏ کثیری از شرکت‏های متوسط توزیع شده است.در جهانی که سرعت تحولات تکنولوژیک و رقابت شدید و بی‏امان مشخصه آن است،انعطاف‏پذیری موضوع‏ بسیار مهمی است.

همچنین سرمایه و دارایی چین و هند این نیست که‏ چگونه دولت‏هایشان با چالش‏ها به مبارزه برمی‏خیزد و اصلاحات را به سامان می‏رساند.چین-در مقام مقایسه‏ با هند-در عین حال که با معضلات مربوط به تاخیر و تعلل در اجرای اصلاحات ساختاری دست و پنجه نرم‏ می‏کند،در عرصه رقابت‏های اقتصادی همچنان پیشگام‏ باقی مانده است.

موفقیت‏های اقتصادی و برخورداری از یک بازار مالی‏ شکوفا به چین این امکان را داده است تا تغییرات اساسی‏ را در سطح کشور اعمال کند،ولی آنان عقیده دارند اگر چین اکنون به انجام اصلاحات اقتصادی روی نیاورد، در آینده باید هزینه‏های گزافی را به این خاطر بپردازد. ایالات متحده به طور مایوسانه‏ای از این کشور می‏خواهد که پول ملی خود را مجددا"ارزش‏گذاری نماید.آیا چین‏ به این توصیه‏ها گوش فرا خواهد داد؟

علاوه بر این،این حقیقت که هند در نیل به سطح توسعه‏ مورد نظرش با مشکلاتی جدی‏تر از چین رو به رو خواهد بود،غیر قابل انکار است؛زیرا با مشکلاتی‏ ساختاری دست به گریبان است،مشکلاتی که بسیار هم جدی تلقی می‏شوند.با وجود تمامی این موارد، باید به این نکته اشاره کنیم که انتخاب‏های اقتصادی‏ گسترده‏ای پیش روی این کشورها قرار دارد.می‏توان‏ ادعا کرد معجزه اقتصادی چین و هند هنوز پایان نیافته و این تازه آغاز کار است.بهترین‏ها برای اقتصاد این دو کشور هنوز به وقوع نپیوسته است و برای رشد اقتصادی‏ باثبات هنوز به وقوع نپیوسته است و برای رشد اقتصادی‏ باثبات هم چین و هم هند باید به انجام اصلاحات مورد نیاز اهتمام ورزند،ثبات اقتصادی کلان خود را حفظ کنند و اصلاحات ساختاری را سر لوحه کار خود قرار دهد.